

یادی از پرنده‌ها

نگاهی به «سایه‌ی مهربان» سروده‌ی منیره هاشمی

انسیه موسویان



نام کتاب: سایه مهربان
 نویسنده: منیره هاشمی
 تصویرگر: فریبا بروفر
 ناشر: نشر شاهد
 نوبت چاپ: نخست ۱۳۸۷
 تعداد صفحات: ۲۰ صفحه
 شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۵۰۰ تومان

نگاهی می‌اندازیم به یکی از کتاب‌هایی که به‌طور کامل و مستقل سروده‌های آن به موضوع جنگ مربوط می‌شود.

«سایه‌ی مهربان» سروده‌ی منیره هاشمی - شاعر جوان - حاوی ۸ شعر است. در این سروده‌ها شاعر تلاش کرده است از دریچه‌ای تازه به موضوع جنگ بنگرد و شاید بتوان گفت در مرحله‌ی اول یعنی انتخاب سوزهای جدید، تا حدودی موفق بوده است. او به‌طور مستقیم به انعکاس این پدیده نپرداخته است، بلکه راوی تمام این شعرها، کودکی است که در هر شعر به نوعی با جنگ مرتبط می‌شود. در شعر اول با عنوان «عکس مهربان» کودک با عکس شهید - پدر - صحبت و درد دل می‌کند و از آرزوهای کوچک و بزرگش می‌گوید:

عکس یادگاری پدر، سلام!

صبح جمعه‌ات به خیر!

روی صورت تو نور خنده است

حرف می‌زنی تو با دلیم...

عکس مهربان!

من بزرگ می‌شوم، بزرگ‌تر... بزرگ‌تر

می‌خرم برای خانه، نان...

(عکس مهربان - ص ۲)

در شعر دیگری با نام «عینک پدر» کودک با پدرش که

در جنگ نابینا شده است صحبت می‌کند:

روی صورتت پُر از

غنچه‌های خنده است

پشت عینکت، دوتا

لانهای پرنده است

آن پرنده‌ها پر از

(۱)

«جنگ» و به عبارت بهتر «دفاع مقدس» در جامعه‌ی ما، یکی از موضوعاتی است که سال‌هاست ذهن شاعران و نویسندگان را به خود معطوف داشته و دستمایه‌ی خلق و آفرینش آثار ادبی و هنری فراوانی شده است. عده‌ای از شاعران نویسندگان تنها به انعکاس صرف جنگ و حقایق و وقایع تلخ ناشی از آن پرداخته‌اند و در سروده‌هایشان تنها به موضع‌گیری‌های کلی و ستایش از مقام شهدا و... بسنده کرده‌اند.

آثار این دسته از شاعران از تأثیرگذاری چندانی برخوردار نیست و چه بسا پس از مدتی به بوته‌ی فراموشی سپرده شده و تأثیری بر احساس و عواطف مخاطب باقی نگذارد اما دسته‌ای دیگر از شاعران با نگاهی تازه به سراغ این پدیده رفته‌اند و تلاش کرده‌اند از زاویه‌ای متفاوت این موضوع را مورد بررسی قرار دهند. در شعر این گروه از شاعران با روایت جزئی و عینی جنگ و صحنه‌های مربوط به آن مواجه هستیم، این بیان جزئی و عینی آن‌گاه که با زبانی هنرمندانه و به کمک صورت‌های خیال و آرایه‌های ادبی بیان می‌شود، بدون شک بر عواطف و احساسات شنونده تأثیری عمیق به‌جا می‌گذارد و چه بسا بتواند از این طریق به القای یک خط سیر فکری ارزشمند نیز بینجامد.

شعر کودک و نوجوان نیز از این امر مستثنی نیست. در میان شاعران کودک و نوجوان نیز از آغاز، این دو رویکرد وجود داشته است و در هر حال، موضوع جنگ و تبعات آن به یکی از مضمون‌های اصلی و جدی در ادبیات کودک و نوجوان تبدیل شده است. آن‌چه مهم است، چگونگی رویکرد شاعران به این مضمون است که خود نیازمند پژوهشی عمیق و گسترده است و مجال گسترده‌تر می‌طلبد. در این مبحث

صحبت خدا شدند
صبح توی جبهه‌ها
از قفس رها شدند...

(عینک پدر- ص ۱۲)

و در شعر دیگری، راوی به بیان احساس خود درباره روزهای جمعه و رفتن به زیارت مزار شهدا می‌پردازد:

جمعه‌ها روزهای زیبایی است
روزهای قشنگ دیدار است
من و مادر به شوق دیدن صبح
چشم‌مان تا سپیده بیدار است

پدرم را ندیده‌ام اما
خانهاش کوچی بهشت رضاست
پدرم مثل غنچه می‌خندد
عکس او توی قطعه‌ی شهداست

(جمعه‌ها- ص ۱۴)

دو شعر از سروده‌های این مجموعه هم به حضرت امام(ره) تقدیم شده است و شاعر در آن از امام(ره) با عنوان «پدر» و «باغبان» یاد کرده است.

(۲)

شکی نیست که «عاطفه» یکی از اصلی‌ترین عناصر شعر است و در کم‌تر شعر موفق است که نمونه‌های برجسته و رگه‌های قوی از بیان عواطف یافت نشود. عاطفه طیف گسترده‌ای از معانی نظیر دوستی، عشق، محبت، خشم، حسد، دل‌تنگی، تنهایی و... را در بر می‌گیرد و خواننده‌ی شعر بیش‌ترین تأثیر را از جنبه‌های عاطفی آن می‌گیرد، چرا که انسان بنا بر فطرت خویش دوست دارد دیگران در عواطف او شریک باشند و شعر یکی از راه‌های بیان این عواطف است.

هر قدر شاعر بتواند در بیان تجربیات عاطفی خود از عوالم شخصی دور شود و به تجربه‌های عام و گسترده‌تر راه یابد قطعاً با انسان‌های بیش‌تری ارتباط و همدلی برقرار خواهد کرد و حوزه‌ی عاطفی شعر او گسترده‌تر خواهد بود. البته این بدان معنا نیست که شاعر حرف‌های کلی و بزرگ بزند تا از عواطف بشری و عام انسانی سخن گفته باشد، بلکه آنچه حائز اهمیت است، نوع بیان و چگونگی ابراز همان عواطف شخصی است، به‌گونه‌ای که هر کس شعر او را بخواند یا بشنود بتواند در آینه‌ی آن عواطف و احساسات خود را به تماشا بنشیند و با آن همذات‌پنداری کند. راز ماندگاری بسیاری از آثار و شاهکارهای ادبی نظیر شعر حافظ و ارتباط قلبی و صمیمی همه‌ی فارسی‌زبانان در قرن‌های متمادی و در شهرها و سرزمین‌های گوناگون با این اشعار در همین نکته نهفته است و البته این امر کاری بس دشوار و شگفت است.

این که شاعر بتواند با انتخاب نمادهای عام و پرهیز از ذکر جزئیاتی خاص که مربوط به زمان و مکان و حادثه‌ی معینی

می‌شود، شعری بسراید که فراتر از زمان و مکان باشد و بتواند با دل و روح و جان انسان‌های بسیاری که تجربیاتی مشابه با او داشته‌اند، ارتباط برقرار کند، بسیار دشوار است. حال به سراغ سروده‌های منیره هاشمی در کتاب «سایه‌ی مهربان» می‌رویم تا ببینیم آیا توانسته است نقش و کارکرد عاطفی خود را به خوبی ایفا کند یا خیر.

با نگاهی به ۸ شعر این کتاب و تعمیق در محور عاطفی این سروده‌ها، به یک نتیجه‌ی ساده اما مهم دست می‌یابیم. در هر یک از شعرها که شاعر خودش حضوری پُر رنگ دارد و به مخاطب (یعنی کودک یا نوجوان) نزدیک‌تر می‌شود، تأثیر عاطفی شعر بیش‌تر و عمیق‌تر است. به عبارت بهتر، هنگامی که شاعر خود را در جایگاه کودک یا نوجوان حاضر در شعر قرار



می‌دهد و تلاش می‌کند با نزدیک شدن به دنیای او و درک بهتر احساسات و عواطفش، ساده و بی‌پیرایه سخن بگوید، موفق بوده است و اتفاقاً در همین سروده‌ها شعر از حد بیان عواطف فردی فراتر رفته و عمومیت و شمول می‌یابد. به عنوان مثال در شعر او با نام «عکس مهربان» یک قاب عکس ساده که عکس پدر شهیدش در آن است، دستمایه‌ی خلق شعر شده است و به بهانه‌ی گفت‌وگو با این قاب عکس، شاعر روایت‌گر اندوه تنهایی و غم عمیق کودک در اندوه ناشی از فقدان پدر است. به‌گونه‌ای که شاید کودکان بسیاری در این حس با او مشترک باشند و همذات‌پنداری کنند، هر چند پایان‌بندی شعاری و کلیشه‌ای شعر از قوت آن کاسته است، اما به لحاظ تأثیرگذاری عاطفی می‌توان آن را شعر خوبی دانست.

عکس یادگاری پدر سلام!

صبح جمعات به خیر

روی صورت تو نور خنده است
حرف می‌زنی تو با دلم
راست گفته‌اند که
شهید زنده است
عکس مهربان!
من بزرگ می‌شوم، بزرگ‌تر، بزرگ‌تر...
می‌خرم برای خانه، نان
قد من به شانه‌های آسمانی تو می‌رسد
و جمعه‌ها
مرد کوچکی
خانواده را
پیش یک شهید می‌برد

(عکس مهربان، ص ۲)

در شعر «عینک پدر» نیز کودک با پدرش که در جنگ نابینا شده گفت‌وگو می‌کند. این شعر نیز می‌توانست به لحاظ تأثیرگذاری عاطفی شعر محکمی باشد، چرا که سوژه، ظرفیت و قابلیت این تأثیرگذاری را دارد، اما متأسفانه شاعر در این جا هم در دام کلی‌گویی و شعار گرفتار شده است:

روی صورتت پُر از
غنچه‌های خنده است
پشت عینکت، دو تا
لانه‌ی پرنده است
آن پرنده‌ها پُر از
صحبت خدا شدند
صبح توی جبهه‌ها
از قفس رها شدند

ای پدر! نگاه توست
گرم مثل آفتاب
چشم‌های تو شدند
هدیه‌ای به انقلاب!

(عینک پدر، ص ۱۲)

جمله‌ی انتهایی شعر، یک بیان کاملاً بزرگسالانه است و قطعاً نمی‌تواند نتیجه‌گیری و استنباط یک کودک باشد:

چشم‌های تو شدند
هدیه‌ای به انقلاب

در یک شعر خوب معمولاً همه‌ی عناصر پا به پای هم در تحکیم وقوت شعر حضور و نقش دارند و به نوعی، تعادل و توازن میان عناصر شعر برقرار است، اما گاه توجه بیش از حد شاعر به یک یا دو عنصر سبب می‌شود از دیگر عناصر و تکنیک‌های شعری غافل بماند، به عنوان مثال در شعرهای کتاب «سایه مهربان» به نظر می‌رسد توجه بیش از حد شاعر به مضمون و عاطفه و سعی در بیان و انتقال شعر و از صورت‌های خیال و آرایه‌های شعری غافل شود، نتیجه این می‌شود که اگر بخواهیم این سروده‌ها را به لحاظ زبان و صورت‌های خیال و

تکنیک‌های شعری مورد بررسی قرار دهیم، چیز دندان‌گیر و ارزشمندی عایدمان نخواهد شد.
در حوزه‌ی صورت‌های خیال، شاعر از تشبیه که ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل خیال است، بهره برده است. نگاهی به اضافه‌های تشبیه‌ی به کار رفته در این سروده‌ها و نیز وجه شباهت‌ها و مشابهه‌ها نشان می‌دهد که حوزه‌ی خیال شاعر بسیار محدود و دایره‌واژگانی‌اش در این عرصه بسیار کوچک است.

نور خنده:

روی صورت تو، نور خنده است

(عکس مهربان، ص ۲)

گل خنده:

دست دادی تو به من
دلم از شوق تپید
از گل خنده‌ی من
عکس بابا خندید

(آمدی خانه‌ی ما، ص ۸)

آفتاب قلب:

باغ با لبخند تو
روز را آغاز کرد
آفتاب قلب تو
غنچه‌ها را باز کرد
(باغبان، ص ۱۰)

گرم مثل خورشید:

پدرم گرم مثل خورشید است
بر سرم آفتاب می‌ریزد
مادرم چون گل محمدی است
روی خاکش گلاب می‌ریزد

(جمعه‌ها، ص ۱۴)

چنان که ملاحظه شد، تصویرهای شعری کاملاً دم‌دستی و کلیشه‌ای هستند و حتی به یک مورد کشف شاعرانه و خلاق در این سروده‌ها بر نمی‌خوریم.
از سوی دیگر، زبان شعرها نیز زبانی است ساده، بدون فراز و فرود و برجستگی و تمایزی خاص که در آن نه تنها از هنرمندی‌های شاعرانه و بازی‌های زبانی خبری نیست، بلکه در برخی موارد دچار ضعف‌های شدیدی است، به عنوان مثال در بند زیر، شاعر فعل مرکب «بوی چیزی دادن» را با آوردن حرف «را» در میان دو جزء فعل آورده که به لحاظ دستوری غلط است و تنها تنگنای وزن شاعر را در دام این سهل‌انگاری انداخته است:

باغبان مهربان!
آشنای پونه‌ها
هر کجای باغ‌مان
می‌دهد بوی تو را

(باغبان، ص ۱۰)

و نیز مواردی از حشو (باز هم به دلیل تنگنای وزن) که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:
بعد از آن هجوم بمب‌ها
شیشه‌ها یکی یکی شکست
سقف خانه‌مان خراب شد
روی قلب مادرم نشست
مثل این که خواهرم بهار
خسته بود و باز خواب ماند
مثل مادر و پرنده‌ها
زیر خانه‌ی خراب ماند

(خواهرم بهار، ص ۱۶)

در دو بند فوق، کلمه‌های «آن»، «باز» و «مثل این که»، کاملاً حشو هستند.

در شعر دیگری با نام «تسبیح بابا» شاعر یک بار کلمه‌ی «تسبیح» را به معنای وسیله‌ای که با آن ذکر می‌گوییم و بار دیگر همراه با فعل گفتن به معنای حمد و ثنا یا ذکر گرفتن به کار برده است که کاربرد دوم برای کودکان نامأنوس است و ممکن است در دریافت معنای آن دچار مشکل شوند:

آن روز که جانت را
در راه خدا دادی
سوغات برای من
تسبیح فرستادی
تسبیح که می‌گوییم
دنیا گل و گل کاری است
عطر صلوات تو
در خاطرهام جاری است

(تسبیح بابا، ص ۶)

هم‌چنین تغییر ناگهانی زمان فعل در بند اول این شعر که بدون هیچ زمینه‌ای رخ می‌دهد و تنها به خاطر وزن شعر صورت گرفته است، از جمله مواردی است که بر ضعف زبان شعر افزوده است:

خواب دیدم ای خوب!
آمدی خانه‌ی ما
بوی گل، بوی دعا
می‌دهی سر تا پا
دست دادی تو به من
دلَم از شوق تبید
از گل خنده‌ی من
عکس بابا خندید

(آمدی خانه‌ی ما، ص ۸)

مشخص است که شعر در زمان گذشته اتفاق افتاده است (خواب دیدن کودک) و شاید صورت صحیح‌تر بیت دوم باید این می‌بود:

بوی گل، بوی دعا

می‌دادی سر تا پا

که شاعر به ضرورت وزن از فعل «می‌دهی» استفاده کرده است.

در بند زیر هم به هم خوردن ترتیب ارکان جمله، زبان شعر را از صمیمیت و روانی دور کرده است:

ای پدر نگاه توست
گرم مثل آفتاب
چشم‌های تو شدند
هدیه‌ای به انقلاب

(عینک پدر، ص ۱۲)



(۳)

در شناسنامه‌ی کتاب «سایه‌ی مهربان» نوشته شده: مجموعه «شعر کودک و نوجوان». می‌دانیم که «کودک و نوجوان» عنوانی کلی است و طیف گسترده‌ای از مخاطبان را در بر می‌گیرد. از گروه سنی «الف» که شامل کودکان زیر دبستان، پیش‌دبستان و کلاس اول می‌شود تا پایان دوره دبیرستان یعنی گروه سنی «ه». معمولاً رسم بر این است که ناشر در ابتدای کتاب و نیز در شناسنامه، گروه سنی مخاطب کتاب را مشخص می‌کند و چه بسا بسیاری از والدین هنگام خرید کتاب برای فرزندان خود به این نکته توجه می‌کنند. (هر چند در برخی موارد این تقسیم‌بندی‌ها و گروه سنی‌ها دقیق و خالی از اشکال نیست). به هر تقدیر مخاطب کتاب «سایه‌ی مهربان» به‌طور خاص مشخص نشده است، اما از زبان سروده‌ها برمی‌آید که این شعرها می‌تواند برای گروه سنی «ج» مناسب باشد.